

این گزارش به مناسبت سفر چین اینجانب و همراهان که ان شاء الله در بهار ۱۳۸۴ ش به صورت رسمی صورت می‌پذیرد، نگاشته شده و گزارش سفر را نیز در این فصلنامه خواهم آورد.

اسلام، ایران، چین

سید محمود مرعشی نجفی

ایرانی و چینی بر این عقیده‌اند که دوستی عمیق و پیوند میان ملت‌های ایران و چین به بیش از دو هزار سال پیش باز می‌گردد. در طول قرن‌ها مهمترین عامل استقرار و توسعه این روابط، جاده ابریشم بوده که از چین آغاز می‌شد و از سراسر شمال ایران می‌گذشت و بازرگانان و سوداگران پیوسته در این راه در رفت و آمد بودند و بی‌شک به همراه مبادلات بازرگانی، تبادل فکری و فرهنگی و هنری نیز، صورت می‌گرفت و خود سرآغاز روابط تاریخی - سیاسی این دو ملت بزرگ بوده است که در نیمه سده دوم پیش از میلاد میان دولت‌های ایران و چین برقرار گردیده است.

در آن روزگار یعنی فاصله بین سالهای ۱۴۱ - ۸۸ پیش از میلاد، چین تحت حکومت امپراتور «لئوچه» ملقب به «اوو» یا «وو» (WU) از دودمان «هان» بود و حکومت وی مقارن با سلطنت دودمان اشکانیان در ایران بوده است، از این رو چینیان، ایران آن روزگار را «آن سی» (Ansee) یعنی اشکانی می‌نامیده‌اند.^۱

پیرنیا، در مورد روابط ایران دوران اشکانی با چینیان نوشته است: «از تجارت ایران با ممالک دیگر غیر از روم، اطلاعاتی از دوره پارتی نیست و نمی‌دانیم که چه به ایران وارد و چه از آن صادر می‌شده، فقط در نوشته‌های چینی در یک مورد از روابطی که با دولت اشکانی داشته‌اند، ذکر شده

پیوند فرهنگی ملت‌های ایران و چین

روابط فرهنگی میان ملت‌های ایران و چین یکی از کهن‌ترین پیوندهای موجود بین ملت‌ها در تمام روی زمین است و ریشه در روابط تاریخی - سیاسی میان ایران و چین دارد، از این رو نخست به اختصار تاریخچه روابط تاریخی - سیاسی بین این دو کشور را بررسی نموده سپس به موضوع «پیوند فرهنگی ملت‌های ایران و چین» به این شرح خواهیم پرداخت:

روابط تاریخی - سیاسی ایران و چین

ایران و چین دو کشور باستانی آسیا به دلیل کهنسال‌ترین تمدن‌های بشری دارای روابط بسیار ممتد و طولانی بوده‌اند و از دیرباز این دو تمدن مستمر و بی‌وقفه با یکدیگر، پیوندی عمیق و ارتباطی دیرینه داشته‌اند که تاکنون نیز، ادامه دارد. جاده ابریشم که از مشرق به مغرب امتداد داشت و خطوط دریایی که از خلیج فارس به دریای چین می‌رسید، دو کشور را به یکدیگر پیوند ریشه‌داری داده، چنانکه آغاز آن به دوران نیمه‌افسانه‌ای تاریخ ایران و حتی پیش از زمان مادها و هخامنشیان باز می‌گردد. گرچه تاریخ دقیق این روابط به روشنی مشخص نیست، اما گروهی از مورخان

۱. نامواره دکتر محمود افشار، ۸۰۶/۲ - ۸۰۷.

میراث شهاب

دریانوردی و کشتیرانی و بازرگانی و امثال آن به جا مانده و به کار رفته غالباً در مورد کشتی‌های ایرانیان و مهاجران و بازرگانان ایرانی در بنادر چین است.^۴

در زمان ساسانیان نیز، روابط ایران و چین، نزدیک و حسنه بوده است. در سال ۴۳۹ میلادی حکومت «وی» (vee) تمام شمال کشور چین را زیر فرمان خود درآورد. براساس نوشته‌های کتاب «تاریخ دودمان وی» در فاصله سالهای ۴۵۵ - ۵۲۲ میلادی حکومت ساسانی، ده بار فرستادگان و سفیران خویش را به چین اعزام کرد و همه آنها مورد استقبال و پذیرایی گرم حاکمان و پادشاهان حکومت «وی» قرار گرفته‌اند.

پس از تقسیم حکومت دودمان «وی» به «وی شرقی» و «وی غربی» در ۵۳۵ میلادی کماکان روابط ایران با این دو کشور بسیار حسنه بوده، چنانکه خسرو اول، پادشاه ساسانی، در ۵۵۳ میلادی سفیری را با هدایای بسیار به دربار «وی غربی» رهسپار و آنان نیز، متقابلاً سفیری به ایران اعزام نمودند.^۵

در سال ۵۸۹ میلادی که دودمان «سویی» تمام سرزمین چین را زیر فرمان خود درآورد، «یان گوان» یکی از امپراتوران دودمان سویی، هیئتی را به ریاست «لی یو» به فارس فرستاد و حکومت فارس نیز، هیئتی را به نمایندگی خود به همراهی «لی یو» با هدایایی به چین اعزام نمود.^۶

روابط ساسانیان با چین همچنان ادامه یافت تا اینکه در سال ۶۳۴ میلادی نیروهای مسلمان و عرب به سرزمین ایران وارد شدند. حتی در این روزگار پرآشوب نیز - یعنی در سال ۶۳۸ میلادی - حکومت ساسانی سفیر دیگری با هدایایی به چین فرستاد و سرانجام در سال ۶۵۱ میلادی که آخرین پادشاه ساسانی - به نام یزدگرد سوم - شکست خورد و تمام سرزمین ایران به دست مسلمانان افتاد، پسر وی «فیروز» همراه پسر خود «نیریس» به شهر «جان آن‌سیان»

آنهم راجع به زمان مهرداد دوم (اشک نهم) از سلاطین بزرگ و نامدار اشکانی است که عنوان: «کبیر» دارد و در فاصله سالهای ۱۲۴ - ۷۶ پیش از میلاد حکومت می‌کرده است. در این زمان بین ۱۲۰ و ۸۸ پیش از میلاد، در دفعه اول سفارتی به ایران آمده^۱ و نیز براساس مآخذ تاریخی در سال ۱۱۶ پیش از میلاد امپراتور شخصی به نام «جان چیان» را به غرب فرستاد و جان چیان پس از دیدار از مناطق مختلف، معاون خود را برای دیدار از کشور اشکانی فرستاد و معاونش در آنجا مورد استقبال قرار گرفت و در همین دوره روابط رسمی بین حکومت‌های غربی چین و حکومت اشکانی برقرار شد. در نوشته‌ای ذکر شده که از سرزمین کوشانیان به خاک اشکانیان که در غرب واقع شده ۴۹ روز راه است. هنگام بازگشت سفیر دودمان هان از ایران به چین، پادشاه اشکانی نیز، سفیری را به همراه او به چین فرستاد.^۲ در این دوره کشور اشکانی به عنوان حلقه کلیدی برای تجارت شرق و غرب بود. در سال ۹۷ میلادی سفیری دیگر به نام «کان یینگ» از جانب سردار معروف چین «پان چا او» یا «خان چائو» به ایران و روم فرستاده شد. این سفیر از شهر صد دروازه و همدان تا بابل رفته و می‌خواسته از خلیج فارس تا خلیج عقبه در دریای احمر از راه دریا برود، ولی بعد منصرف شده، در این روزگار اشکانیان در ناحیه «میسن» یا «دشت میشان» سکونت داشته‌اند.^۳

درست در همان روزگار که چین گرفتار تجزیه و تقسیم گردید و حکومت یکپارچه آن به سه مملکت: وی (vee)، شو (shoo) و اوو (oo) یا وو (wu) تقسیم شد؛ ایران نیز دستخوش تغییر سلسله پادشاهی بود و در حدود سال ۲۱۱ میلادی، یکی از سران دودمان ساسانی استان فارس که نامش اردشیر بود، علیه اشکانیان قیام کرد و در سال ۲۲۴ میلادی، حکومت اشکانی را واژگون نمود و دودمان ساسانی را بنیان نهاد و از همین زمان، ایران «فارس» نامیده شد.

از این تاریخ به بعد است که در منابع و اسناد چینی از ایرانیان با نام: «پوسو» یا «پوسیو» و یا «پوسه» و یا «پوس» نام برده‌اند که به معنای پارسیان و فارسیان و ایرانیان است که از راه دریایی پارس به چین وارد می‌شده‌اند و به این ترتیب می‌توان گفت که آنچه در اوایل ظهور اسلام و کمی پیش از آن در اسناد چینی راجع به «پوسیوها» یا پارسیان در

۱. ایران باستان، پیرنیا، ص ۲۶۹۸.

۲. نامواره دکتر محمود افشار، ۸۱۳/۲.

۳. ایران باستان، همانجا.

۴. از دریای پارس تا دریای چین، احمد اقتداری، ص ۷۳.

۵. نامواره دکتر محمود افشار، ۸۱۵/۲.

۶. همانجا.

پایتخت دودمان «تان» رفت و پناهنده شد و به عنوان میهمانی عالی‌قدر، مورد پذیرایی قرار گرفت. آنگاه که بازماندگان سپاه ساسانی در آسیای میانه حکومتی مستقل تشکیل دادند و با دودمان «تان» در چین ارتباط برقرار کردند، طی ۱۱۵ سال یعنی از ۶۴۷ - ۷۶۲ میلادی مملکت فارس ۲۸ بار سفیران و نمایندگان خویش را به چین اعزام نمود.

این روابط باعث سکونت ایرانیان و فارسیان در چین شد و حتی پس از ورود اسلام به ایران نیز، بسیاری از ایرانیان به چین مهاجرت نموده و در آنجا سکونت کردند و برخی از افسران ایرانی در ارتش امپراتوری دودمان «تان» مقام و منصب یافتند^۱ و همین روابط سیاسی و اقتصادی باعث گسترش روابط فرهنگی بین ایران و چین گردید، بویژه پس از ورود اسلام به ایران که بعداً اشاره خواهیم کرد.

نخستین ارتباط اسلام با کشور چین

ارتباط دین مبین اسلام و مسلمانان و جهان اسلام با چین ریشه در رهنمود تشویق‌آمیز پیامبر گرامی اسلام دارد که برای نخستین بار مسلمانان را تشویق و ترغیب کرد که در طلب علم و کسب دانش حتی به چین، یعنی دورترین نقاط آن روز جهان سفر کنند، آنجا که فرمود: «أَطِيبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصِّينِ»؛ دانش بجوید اگرچه در چین باشد.^۲ این پیام نشان می‌دهد که پیامبر اسلام ﷺ با کشور چین آشنایی داشته است. در برخی منابع، عین همین سخن را از حضرت امیرمؤمنان علی علیه السلام جانشین آن حضرت نیز، نقل کرده‌اند.^۳

این رهنمود پیامبر اسلام، در واقع سرمشمقی شد برای جانشینان وی که در صدد ارتباط برقرار نمودن با چین برآیند. در منابع اسلامی آمده است که نخستین گروه اعزامی از سوی خلیفه سوم عثمان بن عفان، در روز دوم محرم سال ۳۱ / ۲۵ اوت ۶۵۱، در دوره حکومت خاندان پادشاهی «تانگ» به شهر «چانگان» (شانگهای) پایتخت آن روز چین وارد شدند و امپراتور چین این گروه را به عنوان آغاز روابط دوستانه میان چین و عرب تلقی کرد و به گرمی مورد استقبال قرار داد. این نکته و مطلب در کتاب تاریخ جدید تانگ نوشته شده است.^۴

آن هنگام هم که دین اسلام تا نیمه آسیا گسترش یافت و قتیبه بن مسلم، فرمانده سپاه اسلام در زمان عثمان خلیفه سوم، سمرقند و کاشغر را تسخیر کرد، امپراتور وقت چین مجبور شد که یک قرارداد صلح را با مسلمانان امضا کند و هدایایی به عنوان علامت دوستی و صلح بین وی و مسلمانان رد و بدل شد و به این ترتیب روابط، روز به روز توسعه یافت و مستحکم گردید.^۵

ورود و انتشار دین اسلام به چین

پاسخ به این پرسش که دین اسلام دقیقاً چه زمانی وارد چین شده و انتشار یافته، بسیار مشکل است، از این رو مورخان در این مورد اختلاف نظر دارند و در این باره آرای مختلفی ارائه کرده‌اند که نمی‌توان یکی از آنها را به صورت مسلم و قطعی تأیید کرد. از جمله برخی از صاحب‌نظران نوشته‌اند که در زمان حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله چهار نفر از صحابی آن حضرت برای کار تبلیغ و اشاعه دین به چین فرستاده شده بودند، روابط غیر رسمی ما بین مسلمانان و چینی‌ها برقرار شده بود. یکی از این صحابه به نام «ادریس قیس» به علت تغییر هوا در راه درگذشت و صحابی دیگر «وقاص» نام در شهر «کنتون» جا گرفت و به تبلیغ اسلام پرداخت و دو صحابی دیگر به شهرهای «یانگ چائو» و «چاوشیر» رفتند و به تبلیغ دین اسلام پرداختند و در مدت کوتاهی بسیاری از مردم چین مسلمان شدند.^۶ البته در منابع اسلامی راجع به این موضوع اشارتی ندیده‌ام و گویا این مطلب از منابع چینی گرفته شده باشد که مستند آن ذکر نشده است. اگر این ادعا درست باشد، دین اسلام از همان زمان پیامبر صلی الله علیه و آله به چین نفوذ کرده است و این در حالی است که سایر منابع ورود اسلام را

۱. نامواره دکتر محمود افشار، ۸۱۵/۲ - ۸۱۷.

۲. کنز العمال، ۱۳۸/۱۰، ح ۲۸۶۹۷ و ح ۲۸۶۹۸؛ بحار الانوار، ۱۷۷/۱ - ۱۸۰.

۳. بحار الانوار، ۳۲/۲.

۴. «تاریخ اقلیت هویی مسلمان در چین»، ترجمه مهدی و مجید قربانی، مجله مشکوة، ش ۵۳ (زمستان ۱۳۷۵ ش)، ص ۶۱ و «سهم مسلمانان چین در تمدن»، جمال‌الدین بای - شو - یی، ترجمه محمدعلی حسینی، مجله مشکوة، ش ۵۴ - ۵۵ (بهار و تابستان ۱۳۷۶ ش)، ص ۵۱.

۵. «روابط چین با مسلمانان در قدیم»، عفان سلجوق، ترجمه خانم نقوی، مجله هلال، مجلد ۱۳، ش ۲ (پیاپی ۵۲)، ۱۳۴۴ ش / ۱۹۶۵ م، ص ۶۵.

۶. همان.

میراث شهاب

و غیره در آنجا تشکیل یافته است. آثار مهمی که به زبان چینی در این زمینه وجود دارد عبارتند از: ۱. کتاب اسلام در چین، از انتشارات استان لینگ شیا؛ ۲. دائرةالمعارف اسلامی چین، از شورای نویسندگان دائرةالمعارف اسلامی چین، از انتشارات استان سی چون؛ ۳. پژوهشی در باب فرهنگ سنتی اسلام، نوشته سون جی یو، از انتشارات خلق گانسو.

سهم ایرانیان در انتشار اسلام و ماندگاری آن در چین (و پیوند فرهنگی میان دو ملت ایران و چین)

چنانکه پیش تر اشاره شد: نخستین بار، پیرامون سده دوم هجری، این دریانوردان مسلمان ایرانی بودند که از خلیج فارس به همراه برخی از اعراب سایر نقاط خاورمیانه - که از راه تنگه «مالاگا» به چین رفت و آمد داشتند - باعث وبانی رواج دین اسلام در آنجا شدند.

در واقع بازرگانان مسلمان ایرانی از دو طریق به چین رفت و آمد داشتند و از هر دو طریق که یکی از راه دریا و از خلیج فارس به استانهای جنوبی و دیگری از راه زمینی و ماوراءالنهر به استانهای شمالی و شمال غربی چین رفت و آمد می کردند، به انتشار دین اسلام در چین پرداختند و سهم به سزایی در این راه ایفا نمودند. آنان در استانهای جنوبی مانند «فوجیان» و «گوان دونگ» و در استانهای شمال غربی مانند «سین کیانگ»؛ «چینگ های»؛ «نینگ سیاهوئی» و «گانسو» شروع به تبلیغ و حتی ساخت و ساز مساجد و بناهای اسلامی کردند.

شواهد و قراین بسیاری در مورد اینکه ایرانیان سهم اول و بزرگ در انتشار اسلام در چین و گسترش و ماندگاری

به چین برای نخستین بار در حدود سده دوم هجری گزارش کرده اند و نوشته اند که دین اسلام از سوی دریانوردان ایرانی و عرب که از خلیج فارس و سایر نقاط خاورمیانه از طریق تنگه «مالاگا» به چین رفت و آمد داشته اند، وارد شده است.

این نظریه حکایت از این دارد که ورود اسلام، نخست از طریق راه دریایی بوده و اندکی پیش از ورود اسلام از راه زمینی صورت گرفته است، و برخی معتقدند که ورود اسلام به چین از راه دریا در سده نخست هجری بوده است؛ در حالی که ورود اسلام به شمال غربی چین، یعنی استانهای «سین کیانگ»، «چینگ های» (شانگهای)، «نینگ سیاهوئی» و «گانسو»، در سده چهارم هجری / دهم میلادی، صورت پذیرفته است.^۱

آنچه مسلم است اینکه اسلام در سده های نخستین هجرت، توسط بازرگانان مسلمان که برای تجارت به چین رفت و آمد داشته اند، به چین وارد شده و به مرور زمان که رفت و آمد مسلمانان، بویژه ایرانیان مسلمان، به خاک چین زیادتر گردید، سبب شد تا نفوذ تمدن اسلامی در آن سرزمین روز به روز گسترش یابد و با گذشت زمان تعدادی از مسلمانان در چین سکونت گزیدند و ضمن ازدواج با دختران چینی، به ازدیاد نسل پرداختند، و به این ترتیب در مناطق مختلف چین، جوامع بزرگ اسلامی به وجود آمد و روز به روز بر تعداد آنان افزوده شد؛ به شکلی که در حال حاضر شمار آنان به حدود صد میلیون نفر مسلمان بالغ می گردد.^۲ یکی از منابعی که ورود مسلمانان را به چین در سده های نخست اسلامی یادآور شده، کتاب «الفخري في أنساب الطالبین» تألیف سید عزیزالدین ابی طالب اسماعیل بن حسین بن محمد بن حسین بن احمد مروزی ازورقانی متوفای بعد از سال ۶۱۴ قمری می باشد که در صفحه ۱۵۶ آن کتاب^۳، از جمله نوادگان حضرت زید بن الامام حسن المجتبی (ع) را که به ری، نیشابور، مرو و گروهی نیز به چین رفته اند، آورده است. ورود آنان به چین پیرامون سده دوم هجری بوده است.

اندیشه شیعه در چین، نخست در کوه های پالیر و پیرامون شهرهای ختن و یارغند پای گرفته و نیز طریقت های گوناگونی چون: نقشبندیه، قادریه، کبرویه

۱. «نگاهی به مساجد و ابنیه اسلامی در جمهوری خلق چین»، محمد جواد امیدوارنیا، مجله مسجد، س ۲، ش ۱ (مهر و آبان ۱۳۷۲)، ص ۴۹ و «معماری اسلامی چین در مسیر جاده های ابریشم»، جن دا - شنگ، ترجمه محسن جعفری مذهب، مجله وقف میراث جاویدان، س ۵، ش ۱ (پیاپی ۱۷)، بهار ۱۳۷۶، ص ۵۹.

۲. «اسلام در چین»، احمد فدایی، مجله مشکوة، ش ۱۲ و ۱۳ (پاییز و زمستان ۱۳۶۵)، ص ۸۱ و ش ۲۶ (بهار ۱۳۶۹)، ص ۱۶۷.

۳. این کتاب برای نخستین بار بر اساس یک نسخه خطی موجود در کتابخانه بزرگ پدر عزیزم حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ع) به سال ۱۴۰۹ق، از سوی واحد انتشارات آن کتابخانه چاپ و منتشر گردیده است.

آن در سراسر چین داشته‌اند که به اختصار برخی از آنها را برمی‌شماریم:

الف. رواج سبک معماری ایرانی در بناهای اسلامی

با ظهور اسلام در چین و انتشار آن، دانش معماری اسلامی نیز، وارد چین گردید و در بناها و اماکن مذهبی اسلامی و حتی ساختمانهای مسکونی به کار گرفته شد. گونه‌های بنیادی معماری اسلامی بین کرانه‌های جنوب شرقی و سین کیانگ با یکدیگر متفاوت بود؛ زیرا این هنر در زمانهای متفاوت و از ناحیه‌های گوناگون وارد چین شده بود و با دیگر سبکهای سر راه خود آمیخته شده بود. برای نمونه، بناهای اسلامی در کرانه جنوب شرقی، بیشتر سبک اسلامی خالص (ایرانی - عراقی) داشتند که در فاصله و سالهای ۱۳۲ - ۶۵۶ قمری / ۷۵۰ - ۱۲۵۸ میلادی مستقیماً از راه دریا آمده بود. آثار و بناهای آغازین این دوره از میان رفته‌اند و هیچ سند و مدرکی جز برخی داستانها که از گورهای مقدس یا مساجد این دوره حکایت می‌کنند، در دست نیست. اما آثاری که از فاصله سالهای ۳۴۹ - ۷۶۹ قمری / ۹۶۰ - ۱۳۶۸ میلادی در چین باقی مانده و حفظ شده‌اند، دارای سبک ایرانی و عراقی است که نه تنها در اسناد بسیار و کتیبه‌های عربی و چینی مورد اشاره بوده‌اند؛ بلکه برخی از آنها هنوز وجود دارند و همه آنها سبک اسلامی معماری ایرانی و یا ایرانی - عراقی را دارند. این آثار بیشتر در کرانه جنوب شرقی یافت شده‌اند؛ زیرا بازرگانان مسلمان در سواحل و بنادر مهم چین مانند: «گوانگ ژو»، «چوان ژو»، «فوژو»، «هانگ ژو»، «سونگ جیانگ»، «یانگ ژو» و «جزیره‌های نان» لنگر می‌انداختند. نمونه‌های شاخص این سبک عبارتند از: مناره (کونگ - تا)، مسجد هوی - سنگ - سی و گور مقدس (ترت) ابن‌وقاص در گوانگ ژو (کانتون)، مسجد الاصحاب و گورهای مقدس (ترت) دو تن از اولیاء در چوان ژو (زیتون) و گور مقدس (ترت) علاء‌الدین ولی در فوژو، بناهای داخلی شبستان مسجد ننگ - هوانگ - سی (مسجد سیمرغ) در هانگ ژو، بنای داخلی شبستان مسجد سونگ جیانگ و جز اینها که به‌طور عمده در آنها سنگ و آجر به کار رفته است.

عناصر اسلامی سبک ایرانی - عراقی در این بناها نه فقط

در پلانهای بیرونی و درونی بنا، بلکه در تزئینات و کنده‌کاری و بویژه در کتیبه‌های عربی آنها به آسانی دیده می‌شود. از این نمونه، آنچه که در سین کیانگ قابل ذکر باشد، فقط به مزار عتیق علی اصلاخان [ارسلان خان] در کاشغر و مزار تَغْلُق تیمور در هوچنگ را می‌توان نام برد؛ زیرا امروزه آثار اندکی از این دوره خاص بر جای مانده است.^۱

اما همین آثار اندک بر جای مانده خود نشانگر حضور پرتوان و قدرتمند معماری اسلامی ایرانی^۲ در این خطه است و دلیلی روشن بر پیشتاز بودن ایرانیان در تبلیغ و انتشار دین مبین اسلام در چین و حتی موجب بقاء و گسترش آن در آن سامان.

۱. «معماری اسلامی چین در مسیر جاده‌های ابریشم»، چن دا - شنگ، ترجمه محسن جعفری مذهب، مجله وقف میراث جاویدان، س ۵، ش ۱ (پیاپی ۱۷)، بهار ۱۳۷۶ ش، ص ۹۷.

۲. در زمان تیموریان، یکی از مشهورترین مساجد بزرگ را ایرانیان در شهر «هانچو» بنیاد کردند. کتیبه‌ای به خط و زبان فارسی در این مسجد نصب شده بود که متن آن چنین است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«هَذَا مَسْجِدٌ أُنْشِيَ عَلَى التَّقْوَى الْخَقِّ إِنَّ الْقُوَّةَ بِاللَّهِ تَعَالَى»

به حکم نص قاطع ربانی و برهان سامع صمدانی که: اِنَّمَا يَعْزُمُ مَسَاجِدَ اللَّهِ عَمَرُ بَيْتِهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، هر صاحب دولتی را که دیده بصیرت او به نور «فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْاَبْصَارِ» منور و چشم بصارت او به کحل «يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ» مکحل باشد نزد او اظهار من الشمس و اُبَين من الأمس خواهد بود که بهترین خیرات و مقدس‌ترین میراث بنای مسجد و ... چنانچه منطوق این حدیث: «من بنى لله تعالى مسجداً بنى الله له بيتاً فى الجنة» عمل این ناظم است و این سعادت مقبول بارگاه احدی و خصوص «حضور» درگاه محمدی را روزی کند. چنانکه در این مدت در عهد این ... فغفور برافرازند اعلام الناس، برافروزند انوار ...

چاکر درگاه او، خسرو جم اقتدار

بسنده فرمان او، قیصر خاقان تبار

از هنرش گاه رزم، و ز کرمش روز بزم

رستم دستان خجل، حاتم طی شرمسار

تاج سرافرازش، داده ز کسری نشان

تخت شهنشاهیش، مانده ز کی یادگار

باقی و پاینده باد، دولت ...

مملکتش پردوام، سلطنتش برقرار

این سعادت و دولت ... و هدایت به بنای چنین مسجدی بهترین حال

و ذخر مال، هذ جنات عدن فادخلوها خالدین.

عمارتی که ندارد چو کعبه شبه و مثال ...

تا اساس مسجد اقصاست اندر آسمان

در زمین کعبه و بیت الحرامست و ...

در پایان چنین آمده است: بنا کرده فخرالدین بن شهاب‌الدین ترمذی.

نقل از مجله مشکوة، ش ۲۱ (زمستان ۱۳۶۷ ش)، ص ۱۳۴ - ۱۴۷.

لله تعالی، اقتدا کردم به امام. همچنین است نیت‌های نماز سنت و نماز فریضه پیشین (ظهر) و نماز سنت و فریضه دیگر (عصر).

دعاها به زبان عربی است و در زیر هر عبارت فارسی و عربی، معنی آن به خط و زبان چینی نوشته شده است^۲ که البته در قدیم به خط فارسی و عربی بوده است.

حتی بسیاری از مراسم عزاداری، عروسی، ختنه‌سوران و امثال اینها نیز، رنگ و بوی ایرانی دارد که دلیل روشنی بر پیوند ناگسستنی میان اسلام در چین با ایرانیان و ادب و زبان فارسی است.

ج. فارسی زبان رسمی اسلام در چین

کهنترین سندی که نشان می‌دهد زبان فارسی در چین سابقه‌ای دیرینه دارد، دستخطی است که در سال ۱۲۱۷ میلادی در شهر «جوان چو» (Quan Zhou) کشف شده؛ این شهر همان «زیتون» است که بارها در سفرنامه‌های جهانگردان عرب و حتی مارکوپولو از آن یاد شده است.

سرگذشت این نوشته به این صورت است که راهبی بودایی و ژاپنی‌الاصل که در شهر زیتون زندگی می‌کرده و شاهد رفت و آمد کشتیهای بازرگانی از خلیج فارس به بنادر چین بوده، از بازرگانان مسلمان می‌خواهد که به زبان خود چند خطی برای او بنویسند و بازرگانی ایرانی چند بیت شعر فارسی برای او می‌نویسد. این راهب بودایی آن دستخط را برای پرستشگاه بودایی خود در ژاپن می‌فرستد و آنان به تصور اینکه نیایشی از بوداست، نگاه می‌دارند. این نوشته با اینکه اهمیت تاریخی چندانی ندارد، ولی آشکارا گواه این نکته است که در بنادر چین از جمله در فوجی ان (Fujian) نمایندگان تمام ملت‌های آسیا داد و ستد می‌کرده‌اند و در میان آنان بازرگانان مسلمان ایرانی فارسی‌زبان نیز بوده‌اند^۳ و نکته دیگر آنکه نشان می‌دهد

یکی از مساجد جالب در شهر «یارکند» چین، مسجد شیعیان است، در سال ۱۹۸۱ میلادی ۱۳۶۰ شمسی که شیعیان هویت مذهبی خود را که تا آن زمان مخفی داشته بودند، آشکار کردند، این گروه از شیعیان، در سده قبل، از کشمیر به «یارکند» آمده و امروز افزون بر ۳۰۰ نفر هستند. مسجد شیعیان فقط شبستان و یک تالار سوگواری دارد و مسجد کوچکی است.

ب. رنگ ایرانی شعائر و مظاهر اسلامی در چین

از جمله قراین و شواهدی که آشکارا نشان می‌دهد که انتشار اسلام در چین در پرتو زبان و ادبیات فارسی و ایرانیان بوده است، رنگ و بوی شعائر و مظاهر اسلامی در میان مسلمانان چین است. وجود تعداد زیادی از واژه‌های فارسی در زندگی روزمره و بویژه در موقع نماز خواندن مانند: «آبدست»، «نماز بامداد»، «جمعه»، «نماز پیشین»، «نماز دیگر»^۱، اسامی نمازهای پنجگانه، نیت نمازهای پنجگانه و همچنین شعائر اسلامی، عقود و ایقاعات، عقد و ازدواج و طلاق، آخوند، پوشش لباس، بستن عمامه‌های رنگارنگ به سبک مردم خراسان و آسیای میانه و جز اینهاست که همه به زبان فارسی گفته می‌شود. خواه فارسی بدانند و خواه ندانند، حتی بسیاری از اصطلاحات عربی که در ایران برای شعائر دینی به کار گرفته می‌شده، در چین به فارسی گفته می‌شده است.

بر سر در برخی از مساجد کلمه «نمازخانه» و بر سر در برخی از آب‌انبارها کلمه «سرداب» دیده می‌شود. بسیاری از اسامی نقش شده بر سنگهای گورستان‌ها در چین، اسلامی و ایرانی است؛ حتی از سوی انجمن مسلمانان جزوه‌ای در آداب وضو، نماز، غسل، روزه، نیت‌ها و دعاها، مربوط به آنها چاپ و منتشر شده که همه نیت‌ها به زبان فارسی است که به عنوان نمونه عبارتند از:

نیت آبدست (وضو): نیت کردم که آبدست می‌کنم از برای داشتن حدرا و مباح گردانیدن نماز را.

نیت نماز نافله بامداد: نیت کردم که بگذارم دو رکعت سنت نماز بامداد، روی آوردم به سوی کعبه، خالصاً لله تعالی.

نیت فریضه نماز بامداد: نیت کردم که بگذارم دو رکعت فریضه نماز بامداد وقت، روی آوردم به سوی کعبه، خالصاً

۱. «فارسی در چین»، زین بان شن، مجله نشر دانش، س ۴، ش ۶ (مهر و آبان ۱۳۶۳)، ص ۳۲.

۲. تأثیر زبان فارسی در چین، سید احمد فدایی، مجله مشکوة، ش ۲۱ (زمستان ۱۳۶۷ ش)، ص ۱۴۴.

۳. نقش زبانهای ایرانی در انتشار ادیان در آسیای مرکزی و چین، نهال تجدد، مجله نگاه نو، ش ۲۷ (بهمن ۱۳۷۴)، ص ۵۵-۵۶.

زبان فارسی، چگونه و از سوی چه افرادی و از کدام مسیر وارد چین شده است.

حضور گروه انبوه ایرانیان فارسی‌زبان مسلمان که غالباً از طبقه دانشمند و یا اهل حرفه و فن بوده‌اند و نیز بازرگانان کارآموده که از دیرباز به چین رفت و آمد داشته‌اند، دو نتیجه مهم فرهنگی داشته است: ۱. رواج و گسترش زبان فارسی و فرهنگ ایرانی با تمام مظاهرش؛ ۲. دین اسلام و آیین مسلمانی. که این اخیر همه وقت بر بال زبان فارسی، از دو سوی شرق (دریا) و غرب (ماوراءالنهر و خراسان بزرگ)، به کشور چین نفوذ کرده است و به تدریج سیر تکاملی یافته است.^۱

براساس منابع و مآخذ موجود، زبان فارسی، پیوسته زبان تدریس در مراکز تعلیمات اسلامی در چین بوده است، مانند: مناطق «سنکیانج» (ترکستان)، «شاندونج» و «شانسی». همه دانشمندان و پژوهشگران چینی این نکته را سبب انتشار بیشتر زبان فارسی بین مسلمانان و غیر مسلمانان چین دانسته‌اند.

گرچه دقیقاً مشخص نیست که زبان فارسی در چه زمانی وارد چین شده است، اما به گفته بسیاری از دانشمندان و اهل فن، آنچه مسلم است، زبان فارسی همراه ورود مسلمانان به چین و رفت و آمد بازرگانان ایرانی و فارسی زبان در همان سده نخستین پیدایی اسلام وارد چین شده است، چنانکه در کتب قدیمی دینی چین از نخستین نوشته‌های فارسی آن زمان اشاره شده و نوشته‌اند که زبان فارسی پس از اینکه به چین آمد، پیش از همه در میان مسلمانان چینی مقیم شمال غربی چین، آموخته می‌شد و به زودی در ناحیه سین کیانگ گسترش یافت به شکلی که در زندگی روزمره خود بویژه هنگام نماز به کار گرفته می‌شد. سپس مسلمانان چین به منظور شناخت بیشتر ایران و تمدن درخشان آن، اشتیاق فراوانی جهت فراگیری زبان فارسی، از خود نشان می‌دادند. بدین دلیل در بسیاری از مساجد چین، فعالیت اولیه آموزش زبان فارسی آغاز گردید. برخی از مسلمانان باهوش و کوشای چینی که از ایرانیان زبان فارسی را فرا گرفته بودند، در مساجد خود به مسلمانان چینی همان زبان را می‌آموختند و در همان زمان تعدادی کتب درسی، به زبان فارسی به رشته تحریر درآمد که

در میان آنها می‌توان به کتاب درسی عام «منهاج الطلب» اشاره کرد.^۲

اتفاقاً از برخی عبارات نویسنده همین کتاب، یعنی محمد بن حکیم زینینی یا زینیمی - مؤسس مرکز تعلیمات اسلامی شاندونج - که در ۱۰۷۰ قمری / ۱۶۶۰ میلادی این کتاب را تألیف کرده نیز، به خوبی این نکته را می‌توان دریافت که به سبب انتشار زبان فارسی، دین اسلام به وسیله این زبان، انتشار یافته است. عبارت وی تأکید بر استمرار فارسی به عنوان زبان دینی و فرهنگی درجه اول بین مسلمانان چین دارد. او نوشته است: «بیشتر نصوص فقهی و تصوف و تفسیر در چین به فارسی نوشته شده است و برای فراگیری کسانی که فقه و نصوص دینی را می‌خوانند، راهی غیر از فراگیری خوب زبان فارسی نیست، زیرا در هنگام رو به رو شدن با یک مشکل دینی که احتیاج به دادن فتوا دارد، اگر فارسی نداند، مکتوف الیدین خواهد بود».^۳

دانشمند دیگر چینی محمد نورالحق بن لقمان چینی که سیصد سال پس از محمد بن حکیم، صاحب «منهاج الطلب»، می‌زیسته و عالمی مشهور و فقیهی معروف در مرکز تعلیمات اسلامی شانسی بوده است، در نیمه دوم سده ۱۹ میلادی در کتاب «کیمیاء فارسی» خود به همین نکته اشاره دارد که: «به سبب نزدیکی وطن ما (چین) به سرزمین فارس (ایران) و به دلیل اینکه معظم پیشینیان ما فارسی بوده‌اند، کتابهای فارسی در فقه، تفسیر، توحید و تصوف در چین بسیار زیاد و فراوان است و پیشوایان و مدرسان دینی و دانشجویان راهی جز فراگیری زبان فارسی ندارند».^۴

این دو عبارت از دو دانشمند بزرگ و فقیه مسلمان چینی، خود گواه روشنی است بر اینکه زبان فارسی، زبان رسمی اسلام و تعلیمات اسلامی در چین بوده است و سبب گسترش دین اسلام و علت بقای آن در چین.

۱. «خاندان برهانان قزوین در چین و کتیبه مزاری از آن»، دکتر سید محمد دبیر سیاقی، مجله وقف میراث جاویدان، س ۲، ش ۱ (۵ پیاپی)، بهار ۱۳۷۳، ص ۹۴.

۲. «فارسی در چین»، زین یان شن، مجله نشر دانش، س ۴، ش ۶ (مهر و آبان ۱۳۶۳)، ص ۳۲.

۳. منهاج الطلب، ص ۱۳۶ - ۱۳۷.

۴. کیمیاء الفارسیه، ص ۲ - ۳.

میراث شهاب

داشت تا اینکه درگذشت^۴ و به پاس خدمات ارزشمندش در تحکیم و تقویت مناطق مرزی چین از سوی خاندان حکومتی یوان، مفتخر به لقب «امیر شیان یانگ» شد. او مدتها حاکم ایالتی «یون نان» واقع در جنوب غربی چین بود. پیش از ورود سید اجل به این منطقه، تنها مسلمانان اندکی آنهم برای تفریح به این منطقه می‌آمدند و هیچ مسلمانی در آن زندگی نمی‌کرد، اما پس از به حکومت رسیدن وی، گروه‌های بسیاری از مسلمانان، به قصد اقامت همیشگی در آن ایالت، ترک دیار خود کردند و هر جای منطقه که آبادان شد، مسلمانان نیز، حضور پیدا کردند و اداره نیمی از شغل‌های دولتی در سطوح مختلف ایالتی را عهده‌دار شدند و بازرگانان مسلمان نیز، از طریق راه‌های ارتباطی به تجارت بین شهرهای مهم منطقه پرداختند. از دوره حیات سید تاکنون، همچنان عاداتها، سنتها و آیین‌های اسلامی در میان مسلمانان یون نان جاری بوده و محفوظ مانده است. در همان ایام مساجد بسیاری به‌منظور ترویج معارف اسلام ساخته شد و براساس روایتی شخص سید، دوازده مسجد در «کونمینگ» تأسیس کرد که از آن میان مساجد «نانچنگ» و «یونگ نینگ» تاکنون باقی است. گرچه زبان رایج میان مسلمانان منطقه زبان «هان» است، اما در گفتگوهای روزمره و مذاکرات مذهبی با زبانی آمیخته از فارسی و عربی تکلم می‌کنند.^۵

تبلیغات مسلمانان ایرانی باعث شد تا بسیاری از بازماندگان چنگیز در چین، مسلمان شوند که یکی از آنها برادر و جانشین «کبک» که نام بودایی وی «ترمه شیرین» بود و پس از مسلمانی نام تازه علاءالدین بر خود نهاد و او نخستین کس از سلاطین چین بود که مسلمان شد.^۶

بر مبنای تحقیقات استاد خوانج شی جیان، زبان‌شناس چینی، کلمه (خوی خوی) که به معنای مسلم است در لغت چینی در اصل و در قرون قدیم به معنای «زبان فارسی» یا «کسی که فارسی می‌داند» بوده و چون این لغت در زبان فارسی زبان فرهنگ اسلامی رسمی چین بوده است، زبانی بوده که مسلمانان را با آن تشخیص می‌داده‌اند؛ کلمه (خوی خوی) به تدریج متحول شده تا اینکه به فرد مسلمان اطلاق شده است.^۱

از این اشارات که بگذریم، بسیاری از جهانگردان اروپایی و مبلغان مسیحی که پاپ‌ها آنها را به نزد پادشاهان چین فرستاده‌اند، اظهار داشته‌اند که زبان فارسی، زبان رسمی تجاری و متداول بین ملت‌های آسیای میانه و شرقی راه ابریشم است. حتی اینکه مکاتبات و نامه‌نگاری بین پادشاهان و حاکمان چین با پادشاهان اروپا، به زبان فارسی انجام می‌گرفته است.^۲ این اظهار نظر، به خوبی موقعیت زبان فارسی را در چین نه تنها میان مسلمانان، بلکه در میان سایر ملل و حتی دربار چین نشان می‌دهد.

ایرانیان مسلمان در دوران مغول از نظر بازرگانی، دیپلماسی، فرهنگی و علمی همان نقشی را داشتند که ایرانیان بودایی از سده دوم میلادی به بعد در چین داشتند. در سال ۱۲۵۳ میلادی در قراقروم بعد از گفتگوی میان پیروان کنفوسیوس، تائو، مسیحیان، بوداییان و مسلمانان، خان بزرگ مغول، این پنج مذهب را به پنج انگشت یک دست همانند می‌کند. نمایندگان این دین‌ها از ملیت‌های گوناگون که همه در قراقروم به سر می‌بردند، به زبان فارسی با یکدیگر گفتگو می‌کردند،^۳ که این مطلب اهمیت و گستره زبان فارسی را به خوبی نشان می‌دهد و همچنین تأکیدی است بر نقش و سهم زبان فارسی در انتشار ادیان بویژه اسلام در چین و آسیای مرکزی.

عبدالحسین نوایی نوشته است: از امتیازات مهم دوران «قوبیلای قان»، یکی رفت و آمد تجار مسیحی و مسلمان به چین و دیگری انتشار زبان فارسی در آن کشور بود. نفوذ ایرانیان در دربار قوبیلای و عمال اداری او در چین چندان بود که این خان مغول، وزارت خود را پس از محمود یلواج، به یک ایرانی مسلمان داد که نام وی سید اجل شمس‌الدین بخارایی الاصل بود و او مدت ۲۵ سال این مقام را بر عهده

۱. المخطوطات الإسلامية فی العالم، ۱۵/۳ - ۱۶.

۲. همان، ۱۴/۳ - ۱۵.

۳. «نقش زبانهای ایرانی در انتشار ادیان در آسیای مرکزی و چین»، نهال تجدد، مجله نگاه نو، ش ۲۷ (بهمن ۱۳۷۴)، ص ۵۶.

۴. ایران و جهان از مغول تا قاجاریه، ص ۳۸.

۵. «نقش بزرگ یک مسلمان در آبادانی مناطق مرزی چین»، یحیی لیل سونگ، ترجمه محمدعلی حسینی، مجله مشکوة، ش ۴۵ (زمستان ۱۳۷۳ ش)، ص ۱۰۵ - ۱۱۲.

۶. «مسلمین چین»، شکیب ارسلان، در کتاب: امروز مسلمین یا عالم نوری اسلام، از لوتروب ستودارد، ترجمه سید احمد مهدب، ۱۵۳/۲، چاپ ۱۳۲۰ - ۱۳۲۱ ش.

نه تنها در چین روزگاران گذشته زبان رسمی اسلام و مسلمانان فارسی بوده، حتی در روزگار خاندان مینگ، قاموس چینی - فارسی نوشته شده بود که نسخه‌های آن هم اکنون در چین موجود است؛ بلکه کتابهایی که بعدها نوشته شده، مانند: ظاشیه (ذاشیه)، دعوات، قندیلنامه‌ها و حتی کتابهایی جدید مانند: مناسک کامل اسلامی که شرح شعائر اسلامی است نیز به زبان فارسی نگاشته شده^۱ و همه و همه مشعر بر این است که تاکنون نیز زبان رسمی اسلامی در چین، فارسی است.

سرانجام پس از مدتی فارسی‌آموزی و مطالعه و بررسی زبان فارسی از چهارچوب مساجد چین خارج شد و به مراکز آموزشی مهم همچون دانشگاه پکن، دانشکده رادیو، دانشکده اسلامی و دانشکده اقلیت‌های ملی شمال غربی راه یافت و کلاسهای آموزش فارسی توسعه بسیار یافت. در همین اواخر چند صد نفر دانشجوی چینی، زبان فارسی را آموزش دیده‌اند. آنها پس از تکمیل آموزش‌های خود، به نوشتن کتاب و مقالات فارسی پرداخته‌اند و از این رهگذر، در توسعه دوستی و مودت چین و ایران نقش‌های عمده ایفا نموده‌اند. دانشجویی از دانشگاه پکن به نام «دکتر جان هون لیان» کتاب تاریخ ادبیات فارسی نگاشته است. «دکتر یه یی لیان» دانشیار دانشگاه پکن کتاب تاریخ دوستی و مودت چین و ایران را تألیف نموده است. «دکتر سین بین شون» دانشمند چینی در رشته فارسی، غزلیات حافظ را به زبان چینی ترجمه کرده است. «دکتر جان هوی» دیگر دانشمند چینی در رشته فارسی، گزیده ابیات رودکی را به چینی ترجمه و به چاپ رسانده است. از سوی دیگر تعدادی از آثار ادبی فارسی، مانند: بوستان سعدی، منتخب ابیات بهار و تاریخ ادبیات ایران، تألیف دکتر رضازاده شفق، به زبان چینی ترجمه و چاپ شده است.

د. نسخه‌های خطی فارسی اسلامی در چین

بر مبنای پژوهشهای نسخه‌شناسان آثار مکتوب اسلامی بویژه پژوهشهای مظفر بختیار که به تازگی در مورد نسخه‌های خطی اسلامی در چین انجام گرفته، بیش از ۹۸٪ از نسخه‌های خطی اسلامی موجود در چین، به زبان فارسی نگاشته شده است که با توجه به اینکه زبان فارسی چنانکه

پیش‌تر به آن اشاره شد، زبان رسمی اسلام و مسلمانان چین بوده، چندان دور از انتظار نیست و آن ۲٪ از نسخه‌های خطی اسلامی که به عربی است نیز، غالباً متون حوزوی است که از سوی مؤلفان ایرانی نگاشته شده و تاکنون نیز بیشتر آنها در حوزه‌ها متداول هستند و بقیه نیز مصاحف شریف است که دارای ترجمه و زیرنویس فارسی است. این بررسی و مطالعات و نتیجه‌گیری آماری خود به تنهایی و صرف‌نظر از سایر اسناد و قراین، به خوبی نشان می‌دهد که فارسی، زبان رسمی اسلامی و فرهنگی مسلمانان چین بوده است و همچنین نقش و تأثیر زبان و ادب فارسی را در انتشار و گسترش و ماندگاری دین مبین اسلام در این سرزمین پهناور را باز می‌نمایاند.

بر اساس این بررسی نسخه‌های خطی فارسی موجود در چین مشتمل است بر ترجمه‌های قدیمی و کهن قرآن کریم که برخی از آنها از نظر نسخه‌شناسی بسیار نفیس و منحصر بفرد هستند؛ متون گوناگون نظم و نثر ادبیات فارسی و عرفانی، متون تفسیری، فقهی، فرهنگ‌های لغت فارسی و کتابهای مستقل دستور زبان و آموزش فارسی، و اخترشناسی و پزشکی، تاریخ اسلام، سیره پیامبر ﷺ و متفرقات دیگر.^۲

برای ما ایرانیان که شیفته و دوستار فرهنگ ایران و اسلام و علاقه‌مند به کتاب هستیم، دانستن و خواندن بسیاری از مطالبی که در این بررسی و سایر پژوهشهایی که در مورد نسخه‌های خطی فارسی در چین گزارش شده، شگفت‌انگیز و باعث غرور است که صرف‌نظر از شهرهای بزرگ چین و کتابخانه‌ها و مراکز فرهنگی و دانشگاهی بزرگ چین، مثلاً در دهکده‌های کوچک و دورافتاده «داون تو» در اقصای چین، مزار مثالی شیخ عبدالقادر گیلانی و خانقاه باشکوه کبرویه قرار دارد و در همین خانقاه مجموعه‌ای از دواین شعری شاعران بزرگ ایرانی و متون عرفانی فارسی نگهداری می‌شود و طومار نفیس و کهنی به طول دو متر از شجره طيبة ائمه اثنی عشر علیهم‌السلام زیارت می‌گردد، بسیار مایه

۱. المخطوطات الاسلامیة فی العالم، ۱۳/۳ - ۱۴.

۲. المخطوطات الاسلامیة فی العالم، ۸/۳ - ۱۱ به بعد و نک: «بررسی‌نامه

نسخه‌های خطی اسلامی در جهان»، مجله کتابداری، شماره ۲۱-۲۳

(۱۳۷۴ ش)، ص ۸۹-۵۳.

مباهات و افتخار است و یا در روستای گمنام «توچیانو» در استان «سی جوان» نزد مسلمانی سالخورده، یکی از نفیس‌ترین و کمیاب‌ترین نسخه‌های قرآن مجید در جهان به اندازه ۲/۵×۲ سانتیمتر و به وزن یک مثقال که در ایران نوشته شده و یا در قصبه دورافتاده «شیائو نان» در شمال چین بقعه باباحمزه اصفهانی زیارتگاه است و کتابهای فارسی در آنجا وجود دارد و یا در شهرک «باجور» (مرال وشی) در غرب چین نسخه خطی «جنگنامه» ای که روایت داستان پردازانه جنگهای حضرت علی علیه السلام است، دیده می‌شود و یا در مسجد کوچک دره «انگور» در حومه شهر «تورفان» رساله چهل حدیث و مختصر الصلوة ماچینی را به زبان فارسی می‌توان یافت و یا در شهر «هاربین» در شمالی‌ترین نقطه چین از کتاب: «صفوة الهادی» در دستور زبان فارسی می‌توان سراغ گرفت و یا در کتابخانه شهر «نین جین» رساله دویست ساله «آداب مشق و خوش‌نویسی خط فارسی» را می‌توان دید و یا در شهرک «یان چی» (قره شهر) در دورافتاده‌ترین نقطه در غرب چین رساله «قرآن‌گشا» را در باب آداب گشودن قرآن و تلاوت آن به زبان فارسی می‌توان خواند و یا در شهر «چوانچو» (شهر زیتون) در جنوبی‌ترین نقطه چین قرآن مجید با ترجمه کهن فارسی می‌توان زیارت نمود و یا در دهکده‌های دورافتاده و کویری استان‌های «گانسو» و «نینگ شیا» و مرکز چین، بوستان و گلستان سعدی و دیوان حافظ و مثنوی و آثار عبدالرحمان جامی را در دست مردم، می‌توان مشاهده نمود و سرانجام در کتابخانه ملی چین در پکن کتاب نفیس (Huinui Yao Fang) نگهداری می‌شود. این کتاب دستنویس کهنی به زبان چینی و ترجمه شده از نسخه‌های پزشکان ایرانی است که از منابع مهم طب سنتی چین به‌شمار می‌رود^۱ و صد اثر و نسخه دیگر به زبان فارسی که در گوشه - گوشه سرزمین پهناور چین می‌توان دید که همه بیانگر این نکته مهم است که وجود این آثار و کثرت و پراکندگی‌شان در اقصی نقاط چین، گواه بر زبان رسمی اسلامی بودن زبان فارسی در چین از یکسو و علت گسترش و ماندگاری دین اسلام و مسلمانان در چین از سوی دیگر است و برای ما ایرانیان بسیار ارزشمند و افتخارآمیز به‌شمار می‌رود.

میراث شهاب

مهمترین نسخه‌های خطی اسلامی فارسی در چین

چنانکه اشاره شد، نسخه‌های خطی فارسی در چین بسیار بوده است که به مرور زمان از میان رفته است و بسیاری از مسلمانان ناحیه ترکستان چین از نسخه‌های مشهور ادبی فارسی مانند: شاهنامه فردوسی، خمسة نظامی و دیگر دواوین شعری شاعران فارسی مشهور سخن گفته‌اند که به خارج از چین رفته یا در اثر انقلاب فرهنگی چین نابود شده‌اند و آنچه که از این نسخه‌ها باقی مانده و در چین متداول بوده و هست، در ایران و سرزمین‌های دیگر فارسی زبان، بعضی از این متون فارسی نایاب است، مانند: کتاب مخمس تبادلکاتی طوسی، کتاب ظاشیه یا داشیه یا (زاشی به زبان چینی) که نسخه اصل آن فارسی بوده است، شرح اربعین، قندیلنامه، تحریر چینی فرهنگ فارسی وفائی و برخی از مجموعه‌ها و شرح‌های متون ادبی و عرفانی فارسی. از نفیس‌ترین و قابل‌توجه‌ترین متون یافت شده در این مجموعه‌ها نسخه منحصر به فرد تفسیر ابوعلی جبائی در چین است که پیش‌تر از این تصور می‌شد، از بین رفته است.

از نصوص مشهور ادبیات فارسی که اکنون در چین موجود است می‌توان به گلستان، بوستان، دیوان حافظ و شروح و تعلیقات گوناگون این سه کتاب، مثنوی مولانا و کتابهای عبدالرحمان جامی اشاره کرد.

برخی از عوامل و دلایل گوناگون که منجر به نابودی نسخه‌های خطی اسلامی و بویژه فارسی در چین شده را پژوهشگر فرزانه مظفر بختیار به این شرح خلاصه کرده است:

یک. جنگهای داخلی حکومت محلی در چین و ستیزهای دینی و تعصبات نژادی بویژه در ترکستان.

دو. انقلاب فرهنگی سال ۱۹۶۶ - ۱۹۶۷ میلادی که در چین روی داد و باعث از میان رفتن بسیاری از آثار مهم اسلامی در چین گردید و گروهی از افراد به تصور اینکه این آثار و نسخه‌ها که بسیاری از آنها شامل فنون و معماری اسلامی بودند، تجسم عقب‌ماندگی است، آنها را از میان

۱. نک: المخطوطات الاسلامیة فی العالم، ۸/۳ به بعد و نک: «بررسی نامه نسخه‌های خطی اسلامی در جهان» - نسخه‌های خطی فارسی و عربی در چین - مجله کتابداری، شماره ۲۱ - ۲۳ (۱۳۷۴ ش)، ص ۸۹-۹۳.

بردند و برخی را به آتش کشیدند و امروزه مسئولان و سردمداران سیاسی و اجتماعی چین از آن تندروی‌ها اظهار تأسف می‌کنند و رفتار این گروه‌های تندرو را موجب از میان رفتن میراث فرهنگی چین به‌شمار آورده‌اند.

سه عامل مهم دیگری که برای از میان رفتن نسخه‌های خطی در چین ذکر شده، این است که ترکستان چین و کشورهای آسیای میانه به عنوان بازارهای خوب فروش نسخه‌های خطی فارسی و عربی در اوایل سده نوزدهم میلادی، شهرت فراوانی یافتند، از این‌رو نسخه‌شناسان و کتابشناسانی که قدر و منزلت این مخطوطات را به خوبی می‌شناختند، از اطراف و اکناف عالم برای خرید این نسخه‌ها به ترکستان چین به‌ویژه به منطقه کاشغر که بیشترین و نفیس‌ترین نسخه‌های خطی اسلامی را در خود جا داده بود، هجوم بردند و این‌گونه نسخه‌ها را به ثمن بخش خریداری و از چین خارج کردند.^۱

هم‌اکنون در گنجینه کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی رحمته‌الله یک نسخه خطی با عنوان: مسلك المتقين، به فارسی، در فقه عرفانی منظوم، از: صوفی‌الله یار بخاری نقشبندی، متوفای پیرامون سال ۱۰۵۶ق، به شماره «۱۴۰۱» وجود دارد که به خط نستعلیق چهارستونی تایغای فخردین، در چهارشنبه ۲۸ ربیع‌الاول سال ۱۲۸۸ در کاشغر چین کتابت شده است. این نسخه در ایالت سین کینگ یا منطقه مسلمان‌نشین شمال غربی چین قرار داشته و قطع آن رحلی سلطانی است.

به هر حال آنچه از این آثار اکنون باقی مانده، غنیمت است و حتی برخی از آنها نسخه‌های منحصر به فرد هستند و بعضی از آنها فقط در چین یافت می‌شود و در سایر نقاط جهان از آنها خبری در دست نیست.

گزیده‌ای از آثار و نسخه‌ها که می‌توان در این مقاله به آنها اشاره کرد، عبارتند از:

۱. کتاب: ارشاد، تألیف ابومحمد عبدالله بن محمد قلانسی، که در اصول اخلاق دینی نگاشته شده، موجود در کتابخانه مسجد دون شی، پکن.
۲. کتاب: اربعون که نام «خطب الرسول» نیز، بر آن نهاده‌اند و اصل آن عربی است، تألیف تاج‌الدین حافظی بخارایی که حسام‌الدین بن علاء‌الدین نوجابادی آن را در

سال ۸۳۵ قمری، ترجمه کرده و اکنون نسخه‌هایی چند از این دو متن فارسی شیرین در کتابخانه‌های دانشگاه، مسجد جامع و انجمن اسلامی پکن موجود است.^۲

۳. قرآن مجید با ترجمه کهن فارسی که بسیار نفیس و ارزشمند و کهن‌ترین مصحف شناخته شده یا معرفی شده در چین است که از لحاظ قدمت نسخه از اهمیت خاصی برخوردار و در مسجد نیوجیه (NIUJIE) پکن نگهداری می‌شود.^۳ این مسجد به سال ۹۹۶ میلادی بنیاد گردیده است. در کنار این مسجد، قبر محمد بن محمد برهانی قزوینی متوفای ۶۷۹ قمری و قبر علی بن قاضی عمادالدین بخارایی معروف به «قوم داعی» متوفای ۶۸۲ قمری قرار دارد، این مسجد با کمک مالی اتابک السلطان نخست‌وزیر ایران در عصر قاجار - به سال ۱۹۰۳ میلادی بنا گردیده است.

۴. کتاب: کامل‌التعبیر، از ابوالفضل حسین بن ابراهیم بن محمد تفلیسی (متوفای ۶۲۵ قمری) که نسخه‌ای از آن در کتابخانه مسجد دون شی در شهر پکن موجود است.^۴

۵. دو ترجمه از کتاب: عقد الفرید للملك السعید، از سالم بن ابی‌طلحه در خطب و اخلاق که ترجمه اول تنها از فصل پنجم کتاب است و محمد امین بن بزرگ خواجه خجندی ملقب به کاشف، انجام داده و ترجمه دوم که کامل است به نام: «نقد الفرید فی حلّ العقد الفرید»، از محمد عیسی بن ابی‌القاسم خان اریقی است که در عهد محمد یعقوب بیک بهادرخان غازی و به تمایل او ترجمه و تألیف شده است و هر دو نسخه در یک مجلد در کتابخانه ملی پکن موجود است.

۶. کتاب: منهاج‌الطلب،^۵ نوشته محمد بن حکیم زینیمی

۱. المخطوطات الاسلامیة فی العالم، ۱۲/۳ - ۱۳.

۲. «تأثیر زبان فارسی در چین»، سید احمد فدانی، مجله مشکوة، ش ۲۱ (زمستان ۱۳۶۷ ش)، ص ۱۴۲ - ۱۴۳.

۳. «فارسی در چین»، مظفر بختیار، مجله آینده، ش ۱۷، ص ۹ - ۱۲ (آذر - اسفند ۱۳۷۰)، ص ۸۶۷.

۴. «چند نسخه خطی فارسی در چین»، غلامرضا ستوده، مجله راهنمای کتاب، ش ۲۱، ص ۸ - ۱۲ (آبان - اسفند ۱۳۵۷)، ص ۶۶۶ - ۶۶۷.

۵. تصویری از یک نسخه خطی این کتاب که به خط چینی کتابت شده و اصل آن در یکی از کتابخانه‌های چین موجود می‌باشد، در کتابخانه بزرگ پدر عزیزم حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی رحمته‌الله، به شماره «۱۴۱۵» موجود و در ج ۳ فهرست نسخه‌های عکسی آن کتابخانه گزارش شده است.

که در کشمیر و در ۹۷۵ قمری نوشته شده و در زیپو (ZEPU) بوسکام ترکستان چین است.

۱۵. گلستان سعدی که یکی از قدیمی‌ترین نسخه‌های موجود آن در چین، در مسجد نیوجیه در پکن نگهداری می‌شود. از گلستان، نسخه‌های بسیاری همراه با شرح و تفسیر فارسی در چین موجود است.

۱۶. شرح بوستان سعدی که دارای نسخه‌های متعددی در سراسر چین است.

۱۷. شرح دیوان حافظ که از آن نیز نسخه‌ها و شرح‌های متعددی در سراسر چین یافت می‌شود.

۱۸. مثنوی مولانا جلال‌الدین رومی به خط نستعلیق از سدهٔ دهم هجری همراه با تزیینات هنری که در ضریح یوسف خاص حاجب (YUSUF HAS HAJIB TOMB) در شهر کاشغر نگهداری می‌شود. از این کتاب نیز، نسخه‌های متعددی در چین موجود است.

۱۹. اختیارات بدیعی، زین‌الدین شیرازی در طب، مورخ ۹۷۷ قمری که در همانجا و در کاشغر قرار دارد.

۲۰. اشعة اللمعات، عبدالرحمان جامی، کهن‌ترین نسخه‌ای که تاکنون در چین شناخته شده در استان خودمختار تینگ شی و شهر جویان موجود است. دیگر آثار جامی نیز دارای نسخه‌های متعددی است که در مناطق مختلف چین وجود دارد.^۲

۲۱. تذکرة الاولیاء عطار، به خط نسخ چینی یوسف بن عثمان در کتابخانه شیچی (XIII).

۲۲. لطائف البساتین، به فارسی، از: احمد بن محمد بن زید طوسی، نسخهٔ کهن مورخ سدهٔ ۱۰ هجری، در کتابخانه لینشیا (LINXIA).

۲۳. رسالهٔ معرفت عالم کبیر و صغیر، در ترجمهٔ فارسی رسالهٔ مبدأ و معاد نسفی، نسخهٔ کهن مورخ ۹۸۲ قمری، در کتابخانه هایوان (HAIYUAN) در چین.

۲۴. شرح مثنوی، به فارسی، از: رخشا بادی بخارایی، در کتابخانه جینگ تونگ شیا (QINGTONGXIA).

یا زینینی شندو بی چینی که در ۱۰۷۰ قمری در اصول دستور زبان فارسی نگاشته شده است و نسخه‌های متعددی از این کتاب در پکن و سایر مناطق چین موجود است و ظاهراً یک کتاب درسی بوده و به سال ۱۳۶۰ شمسی، به کوشش دکتر محمد جواد شریعت در اصفهان چاپ شده است.^۱

۷. مخمس محمد تبادکانی طوسی خراسانی، نسخهٔ کهن همراه با شرح فارسی مختصر اصطلاحات و قصائد عربی، موجود در شهر باجو (BACHU) در ترکستان (سنکیانگ).

۸. جنگنامه، درمورد غزوات حضرت رسول ﷺ که در واقع روایت داستان پردازانهٔ جنگ‌های حضرت علی علیه السلام است و در شهر باجو (BACHU) در ترکستان موجود می‌باشد.

۹. تفسیر ابوعلی جبائی (متوفای ۳۰۳ ق) که با کمک فرزندش هاشم نگاشته و از نوادر نسخ خطی فارسی در چین است که در مسجد نیوجیه پکن وجود داشته است.

۱۰. علم معرفة و وعظ، از خواجه ابومحمد عبدالله بن محمد قلانسی نسفی، نصی عرفانی که دارای نسخه‌های فراوانی است، ولی کهن‌ترین نسخهٔ آن در مسجد دون شی شهر پکن قرار دارد.

۱۱. لطائف التفسیر یا: تفسیر زاهدی سیف‌الدین ابی‌نصر احمد درواجکی (متوفای ۵۴۹ ق)، نسخه‌ای مورخ سدهٔ هشتم هجری که کهن‌ترین نسخه از این تفسیر در چین است و در کتابخانهٔ ملی چین در پکن و در یارکند نگهداری می‌شود.

۱۲. تفسیر فارسی بصائر، قاضی معین‌الدین محمد بن محمود نیشابوری، نسخهٔ مورخ قرن دهم هجری که در خانقاه و مزار شیخ عبدالقادر گیلانی در روستای داون تو (DAWANTOU) در دونج شیانگ قرار دارد.

۱۳. نسخهٔ خطی منحصر بفردی راجع به موالید و وفيات و انساب ائمهٔ شیعه در اندازهٔ ۲۱۰ × ۶۰ سانتیمتر به فارسی به خط توقیع که در سدهٔ دوازدهم هجری، نگاشته شده و در داون تو قرار دارد و در همان خانقاه و مزار شیخ عبدالقادر گیلانی است.

۱۴. وجه دین، از ناصر خسرو قبادیانی که نسخه‌ای از آن

۱. «جنگ چینی یا سفینهٔ ایلانی (پوس)»، ایرج افشار، مجلهٔ آینده، س ۸، ش ۸ (آبان ۱۳۶۱)، ص ۴۷۹ - ۴۸۰.

۲. المخطوطات الاسلامیة فی العالم، ۲۳/۳ - ۶۹ - نک: نشریهٔ نسخه‌های خطی، دفتر ۱۱ - ۱۲ (۱۳۶۲ ش)، ص ۱۰۱۶ - ۱۰۲۶.

۶. بحار الانوار، علامه مولی محمد باقر مجلسی، بیروت، ۴۰۳/اق / ۱۹۸۳م.
۷. راهنمای کتاب (نشریه)، س ۲۱، ش ۸ - ۱۲ (آبان - اسفند ۱۳۵۷).
۸. کتابداری (نشریه)، ش ۲۱ - ۲۳ (۱۳۷۴ش).
۹. کنز العمال، علاءالدین حسام الدین هندی، به کوشش بکری حیانی و صفوة السقا، بیروت، ۱۴۰۹/اق / ۱۹۸۹م.
۱۰. کیمیا الفارسیه، محمد نورالحق بن لقمان چینی، چاپ ۱۳۴۳/اق / ۱۹۲۴م و نسخه خطی آن.
۱۱. المخطوطات الاسلامیه فی العالم، بخش چین، مظفر بختیار، مؤسسه الفرقان لندن، ۱۴۲۲/اق / ۲۰۰۱م.
۱۲. مسجد (نشریه)، س ۲، ش ۱ (مهر و آبان ۱۳۷۲).
۱۳. مشکوة (نشریه)، ش ۱۲ - ۱۳ (پاییز و زمستان ۱۳۶۵ش) و ش ۲۱ (زمستان ۱۳۶۷ش) و ش ۲۶ (بهار ۱۳۶۹ش) و ش ۴۵ (زمستان ۱۳۷۳ش) و ش ۵۳ (زمستان ۱۳۷۵ش) و ش ۵۴ - ۵۵ (بهار و تابستان ۱۳۷۶ش).
۱۴. منهاج الطلب، محمد بن حکیم زینینی، چاپ ۱۳۰۹ ق / ۱۸۱۹م و به کوشش دکتر محمد جواد شریعت، اصفهان، ۱۳۶۰ ش.
۱۵. نامواره دکتر محمود افشار (روابط تاریخی میان چین و ایران)، جو - جه - چین، تهران، ۱۳۶۵ش.
۱۶. نسخه‌های خطی (دفتر ۱۱ - ۱۲)، دانش پژوه، تهران، ۱۳۶۲ش.
۱۷. نشر دانش (نشریه)، س ۴، ش ۶ (مهر و آبان ۱۳۶۳).
۱۸. نگاه نو (نشریه)، ش ۲۷ (بهمن ۱۳۷۴).
۱۹. وقف میراث جاویدان (نشریه)، س ۲، ش ۱، (پیاپی ۵) (بهار ۱۳۷۳ش) و س ۵، ش ۱، (پیاپی ۱۷) (بهار ۱۳۷۶ش).
۲۰. هلال (نشریه)، مجلد ۱۳، ش ۲ (پیاپی ۵۲) (۱۳۴۴ش) / ۱۹۶۵م.

۲۵. غنیه المبتدی، فارسی، از: سدید الدین کاشغری، در کتابخانه ساتشا یارکند (SACHE YARKAND) در ایالت سنکیانگ.
۲۶. فصل الخطاب، فارسی، از خواجه محمد پارسا بخارایی، در همان کتابخانه.
۲۷. خطبه دوازده ماهی، فارسی، شامل مجموعه‌ای از خطب و دعوات، در کتابخانه زیپو (ZEPU) بوسکام در ایالت سنکیانگ.
۲۸. مجمل الاصول فی احکام التجوم با ترجمه فارسی و چینی، از: کوشیار دیلمی، ترجمه فارسی و چینی آن به سال ۱۳۸۳ میلادی، حدود ۶۲۲ سال قبل انجام شده است.
۲۹. تنسوق‌نامه، فارسی، از: خواجه رشیدالدین فضل‌الله، مورخ ۷۱۳ قمری، به خط نسخ چینی.
۳۰. قرآن کریم، نسخه کهن مورخ ۷۱۸ قمری، به خط محمد بن احمد بن عبدالرحمان سرایی، یکی از کهن‌ترین قرآن‌های موجود در چین.
۳. عمده الاسلام، فارسی، از ابوطاهر ملتانی، در مسجد کبیر، در منطقه تیانشین (QINGZHEN DASI TIANJIN).

منابع:

۱. آینه (نشریه)، س ۸، ش ۸ (آبان ۱۳۶۱) و س ۱۷، ش ۹ - ۱۲ (آذر - اسفند ۱۳۷۰).
۲. از دریای پارس تا دریای چین، احمد اقتداری، تهران، ۱۳۶۴ش.
۳. امروز مسلمین یا عالم‌نوی اسلام، لوتروب ستودارد، ترجمه سید احمد مهذب، تهران، ۱۳۲۰ - ۱۳۲۱ش.
۴. ایران باستان یا تاریخ مفضل ایران قدیم، حسن پیرنیا مشیرالدوله، تهران، ۱۳۶۲ش.
۵. ایران و جهان از مغول تا قاجاریه، عبدالحسین نوایی، تهران، ۱۳۶۴ش.